

آئین

شاهدان یهوه

نوشته :

سید رضا حسینی نسب

فهرست مطالب

مقدمه

یهوه یا خدای یگانه

بنیانگذار آئین شاهدان یهوه

عقائد ویژه شاهدان یهوه

1. اعتقاد به الوهیت إله یکتا و انکار لاهوت مسیح
2. انکار تالوث مقدس
3. انکار رستاخیز جسمانی مسیح
4. اختلاف در تفسیر واژه "یهوه"
5. انکار عذاب گناهکاران و ستمگران
6. عدد ساکنان آسمان

تشکیلات و سازماندهی

دلیل اختلاف شاهدان یهوه

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

شاهدان یهوه به گروهی از مسیحیان در عصر حاضر گفته می شود که در بسیاری از مسائل با مسیحیان کاتولیک اشتراک نظر دارند ولی در برخی از اصول مانند بحث ثالث و اقنوم های سه گانه، بحث عذاب جاودانی در آخرت و مسأله یگانه بودن یا تعدد "إله" با مسیحیان دیگر دارای اختلاف اندیشه و دیدگاه های متفاوت هستند.

گر چه پیروان و هواداران این گروه ، مذهب خود را مسیحیت اصیل و واقعی میخوانند که ریشه در اعماق تاریخ آئین یادشده دارد و اصول و مبانی آن از زمان پدید آمدن تورات و انجیل سرچشمه گرفته است، ولی مذهب "شاهدان یهوه" به معنای خاص کلمه از زمان فردی به نام "چارلز روسل" (متولد سال 1852 میلادی) به منصف ظهور رسید و در سال 1931 میلادی رسماً به این عنوان ، معروف و مشهور گردید.

شاهدان یهوه که به منظور ترویج آئین خود در میان مسیحیان و دیگران از روشهای خاصی مانند تبلیغات خانه به خانه و انتشار نشریه ها و مجلات مذهبی با تیراژ بسیار زیاد و تیم بندیهای تشکیلاتی و تبلیغی استفاده می کنند ، پیروان مذهب یادشده را تا سال 1989 میلادی سه میلیون و هفتصد و هشتاد و هفت هزار نفر در سطح جهان تخمین زده اند.

در این نوشتار ابتدا به توضیح واژه "یهوه" و سپس به شرح حال مؤسس مذهب مذکور و عقائد پیروان و سازماندهی آنان خواهیم پرداخت.

"یهوه" یا خدای یگانه

از آنجا که پیروان مذهب مورد بحث ، خود را شاهدان "یهوه" می خوانند شایسته است پیش از هر چیز واژه مزبور را توضیح دهیم و ریشه لغوی آن را بیان داریم.

کلمه "یهوه" از واژه های اصیل تورات است که بر اساس سخنان شاهدان یهوه و کتابهای آنان در متن اصلی تورات به زبان عبری آمده است. اگر بخواهیم آنرا به الفبای لاتین برگردانیم و از چپ به راست بخوانیم به این صورت نوشته می شود: YHWH. بنابراین کلمه یهوه در متن اصلی تورات متشکل از چهار حرف از حروف الفبا می باشد که در حال حاضر این واژه را به لاتین چنین می نویسند: Jehovah و به همین صورت هم آن را تلفظ می کنند.

شاهدان یهوه این کلمه را به معنای خدای یگانه و خدای زنده و جاودان می دانند. و در تورات و انجیل که به نام "The Holy Scriptures" منتشر ساخته اند خدا را به نام "Jehovah" (یهوه) می خوانند در حالی که در بسیاری از انجیل های دیگر که توسط کاتولیکها به چاپ رسیده از وی به نام "Lord" یاد می شود.

در یکی از جلسات بحث آزاد که بین اینجانب و دو تن از مبلغان کار آزموده از شاهدان یهوه در کشور کانادا صورت گرفت، از آنان سؤال کردم: چرا شما خدا را در انجیلی که منتشر ساخته اید به نام یهوه (Jehovah) می خوانید در حالی که در انجیل چاپ شده توسط کلیسای کاتولیک و مؤسسات دیگر مسیحی از او به نام Lord یاد می نمایند؟

آنان در پاسخ گفتند: ما در حقیقت کلمه مزبور را در متن اصلی تورات به همان صورت که بیان گردید (یهوه) یافتیم و اصالت آن را حفظ نمودیم ، و این مسیحیان دیگر هستند که آن واژه اصیل را تغییر دادند و در ترجمه های خود آن را دگرگون ساختند. و با این گفته می خواستند توضیح دهند که دیگر مسیحیان در بروز چنین اختلافی مقصر بوده و به تحریف و دگرگون ساختن واژه مزبور دست یازیده اند.

در اینجا برای توضیح بیشتر متن سخن شاهدان یهوه در فصل مربوط به آئین یهودیت از کتابی که توسط آنان در سال 1990 میلادی تحت عنوان "Mankind's Search for God" در نیویورک با تیراژ سه میلیون نسخه منتشر ساخته اند را عینا از نظر شما می گذرانیم:

"Judaism and God's Name

Judaism teaches that while God's name exists in written form, it is too holy to be pronounced. The result has been that, over the last 2000 years, the correct pronunciation has been lost. Yet, that has not always been the Jewish position. About 3500 years ago, God spoke to Moses, saying: 'Thus shall you speak to the Israelites: The Lord (YHWH) the God of your fathers, the God of Abraham, the God of Isaac, and the God of Jacob, has sent me to you: This shall be my name forever, this my appellation for all eternity.' (Exodus 3:15; psalm 135:13)

What was that name and appellation? The footnote to the Tanakh states: 'The name YHWH (traditionally read Adonai, the Lord) is here associated with the root hayah "to be". Thus we have here the holy name of God, the Tetragrammaton, the four Hebrew consonants YHWH (Yahweh) that in their Latinized form have come to be known over the centuries in English as Jehovah.'"

پیروان مکتب مزبور که پس از چارلز روسل خود را گروه "برج مراقبت" (Watch Tower) و یا "شاگردان انجیل" (Bible Students) می نامیدند در تاریخ 1931 میلادی در مجمع خود تصمیم گرفتند رسماً خود را "شاهدان یهوه" (Jehovah's Witnesses) بنامند و از آن پس به این نام مشهور گردیدند.

بنیانگذار آئین شاهدان یهوه



همانطور که قبلاً گفتیم مذهب مذکور از زمان "چارلز روسل"¹ شکل گرفت که در سال 1852 میلادی متولد گردید و در سال 1916 میلادی از دنیا رفت.

روشن است که پیروان مکتب شاهدان یهوه و مسیحیان مخالف با این مذهب با دو دیدگاه کاملاً متفاوت، شخصیت چارلز تی روسل را مورد بررسی قرار داده اند و ما نیز نمونه هایی از هر دو دیدگاه را از نظر شما می گذرانیم.

شاهدان یهوه در کتاب خود "جستجوی انسان برای خدا"² پیرامون مؤسس مذهب خود چنین می نویسند:

"در سال 1870 میلادی مردی جوان و غیور ، چارلز روسل (1852-1916) پرسشهای فراوانی را درباره آموزشهای سنتی مسیحیت مطرح ساخت. او به عنوان یک جوان در مغازه خرازی پدرش در شهر صنعتی Allegheny (که هم اکنون بخشی از پیتسبورگ Pittsburgh است) که در ایالت پنسیلوانیا Pennsylvania در ایالات متحده آمریکا

¹ Charles Taze Russel

² Mankind's Search for God.

قرار دارد کار می کرد. زمینه مذهبی او از روحانیت مسیحی و انجمنهای دینی سرچشمه می گرفت. به هر حال او از تعلیماتی مانند سرنوشت و عذاب ابدی در آتش جهنم مشوش بود. چه چیز باعث آن گردید که وی نسبت به نظریات برخی از مذاهب مسیحیت تردید نماید؟ او می نویسد: "خدایی که قدرت خود را در آفرینش انسانی به کار می برد که از پیش میداند که مبتلا به عذاب خواهد شد. چنین خدایی نمی تواند حکیم عادل و اهل محبت باشد. و مقام چنین خدایی از بسیاری انسانها پایین تر خواهد بود". کمتر از بیست سال داشت که روسل مطالعاتی هفتگی را با جمعی از جوانان دیگر بر روی انجیل آغاز کرد. آنان به تحلیل آموزش های انجیل در موضوعاتی مانند جاودانگی روح ، فدا شدن مسیح (تا اینکه خونهای او بخشش گنهکاران باشد) و نیز آمدن مجدد او پرداختند.

در سال 1877 میلادی و در سن 20 سالگی روسل سهم خود را در مغازه بارونق پدرش فروخت و دوره وعظ و خطابه را به طور تمام وقت شروع کرد.

در سال 1878 میلادی ، روسل با یکی از همدستان خود مخالفت ورزید که کفاره بودن مرگ مسیح را برای نجات گناهگاران انکار می کرد. روسل در جوابیه خود چنین مینویسد: "عیسی با مرگ و رستخیز خود چیزهای نیکو را برای ما تکمیل نمود. او به جای ما بود در مردن ، او درستکار بود برای نادرستکاران . همه نادرستکار و ستمگر بودند. عیسی مسیح با عنایت خداوند مرگ را برای خاطر هر یک از انسانها چشید...".

روسل در ماه ژولای 1879 میلادی نوشتاری را تحت عنوان "برج مراقبت صهیون و منادی حضور مسیح"¹ که هم اکنون در دنیا به عنوان "برج مراقبت اعلام کننده پادشاهی یهوه"² شناخته می شود منتشر ساخت.

او در سال 1881 میلادی با همکاری دیگر مسیحیانی که خود را وقف این کار نموده بودند یک جمعیت غیر انتفاعی انجیلی را تأسیس نمود. نام انجمن یادشده "جمعیت برج مراقبت صهیون"³ بود که امروزه به نام جمعیت انجیلی برج مراقبت پنسیلوانیا شناخته

¹ Zion's Watch Tower and Herald of Christ's Presence

² The Watch Tower – Announcing Jehovah's Kingdom

³ Zion's Watch Tower Tract Society

می شود. و نمایندگی قانونی است که از طرف شاهدان یهوه فعالیت می کند.¹

این بود دیدگاه شاهدان یهوه پیرامون بنیانگذار مذهب یادشده. اما مسیحیان مخالف با شاهدان یهوه درباره شخص مذکور "چارلز روسل" دیدگاهی کاملاً متفاوت ارائه می دهند. در اینجا به عنوان نمونه سخنی از یک مبلغ مسیحی به نام "کریم خاشو" به نقل از نوشتار وی تحت عنوان "احذر شهود یهوه" (یعنی: از شاهدان یهوه بپرهیز) را از نظر شما می گذرانیم. وی درباره چارلز روسل چنین می نویسد:

"بنیانگذار بدعت شاهدان یهوه ، چارلز روسل بوده است. روسل در سال 1852 (میلادی) در ایالات متحده آمریکا به دنیا آمد و در سال 1880 (میلادی) ازدواج کرد. پس از هفده سال از انجام این ازدواج، همسر وی او را به دلیل رابطه مشکوک روسل با خانمی به نام "روز بول" طلاق داد.

در سال 1909 دادگاه او را به پرداخت 6076 دلار به همسر طلاق گرفته اش محکوم نمود ، ولی روسل با انتقال همه دارایی خود به نام دیگران از پرداخت مبلغ یادشده فرار کرد. روسل به دروغ پیشگویی کرد که پایان دنیادر سال 1914 میلادی خواهد بود.

از آنجا که در این پیشگویی رسوا شد، به توجیه دروغ خود به شکل دیگر پرداخت. روسل قبل از مردنش در سال 1916 سه مرتبه ازدواج کرده بود و هر یک از ازدواجهای او به طلاق کشیده شده بود. و به هنگامی که در قطار از دنیا رفت ، در وضعیتی بسیار بد و از همه چیز ناامید بود".²

از آنچه بیان گردید معلوم می شود که برخی از مبلغان مسیحیت و خصوصاً کاتولیک ها و مبشران دیگر شاخه های این آئین ، چارلز روسل را شخصی فاسد الأخلاق و بدعت گذار در دین مسیحیت معرفی می کنند که باید از آئین وی و بدعتهای دروغین او بپرهیز شود. و این در حالی است که طرفدارانش او را به عنوان مردی عبور که در جستجوی حقیقت آئین مسیحیت بوده است قلمداد می نمایند.

¹ Mankind's Search for God, page: 350-353

² احذر شهود یهوه – کریم خاشو – صفحه 2-3

عقاید ویژه شاهدان یهوه

همانطور که در آغاز این نوشتار گفتیم ، گروه مزبور خود را پیروان آئین مسیحیت بلکه مسیحیان واقعی می دانند. ولی در برخی از مسائل بسیار حساس و مهم ، با اکثریت قریب به اتفاق مسیحیان اختلاف نظر دارند. ما در این نوشتار ، بارزترین موارد اختلاف و مهمترین ویژگی های ایدئولوژی آنان را بیان می داریم و نیز پاسخ مسیحیان دیگر را در رد موارد یادشده از نظر شما می گذرانیم.

1) اعتقاد به الوهیت إله یکتا و انکار لاهوت مسیح

می دانیم که نوع مسیحیان در عصر حاضر با استناد به آیاتی از انجیل ، عیسی مسیح را به عنوان "إله" معرفی می کنند و به الوهیت وی معتقد می باشند. و در عین حال ، او را به اسم "پسر خدا" می شناسند. اما شاهدان یهوه گر چه عیسی را پسر خدا قلمداد می کنند ، ولی الوهیت او را با استناد به آیاتی دیگر از کتاب مقدس انکار می نمایند. در اینجا قسمت هایی از سخنان آنان را در این زمینه از نظر شما می گذرانیم:

الف) در کتاب "جستجوی انسان برای خدا"¹ در باره یگانگی "إله" به آیاتی از تورات استدلال می کنند که چنین می گوید:

"من یهوه هستم و دیگری نیست و غیر از من خدائی نی"¹
(کتاب اشعیا، نبی - باب 45 - آیه 5)

¹ Mankind's Search for God

"زیرا یهوه آفریننده آسمان که خداست که زمین را سرشت و آنرا استوار نمود و آنرا عبث نیافرید ، بلکه بجهت سکونت مصور نمود چنین می گوید: من یهوه هستم و دیگری نیست"² (کتاب اشعیا نبی - باب 45 - آیه 18)

ب) همچنین در کتاب مزبور پیرامون مشخصات دین حقیقی از دیدگاه شاهدان یهوه چنین می خوانیم:

"در دین حقیقی یهوه خدای واقعی یکتا پرستیده می شود" (جستجوی انسان برای خدا - صفحه 377)

از آنچه گذشت معلوم گردید که شاهدان یهوه "إله" را یکتا و یگانه می دانند و او را یهوه می خوانند. و بر خلاف مسیحیان دیگر الوهیت عیسی مسیح را انکار می کنند.

بدین جهت کشیش های مذاهب دیگر مسیحیت خصوصا مبشران کاتولیک به مبارزه با عقاید شاهدان یهوه برخاسته اند و در سخنان و نوشتارهای خود به ابطال اندیشه های آنان با استناد به آیاتی دیگر از کتاب مقدس پرداخته اند.

به عنوان مثال یکی از مبشران مسیحیت به نام "کریم خاشو" در نوشتاری تحت عنوان "احذر شهود یهوه" در رد نظریه آنان پیرامون انکار الوهیت مسیح تلاش می کند الوهیت مسیح را با آیاتی از انجیل اثبات کند و چنین می گوید:

"یوحنا در باره الوهیت مسیح چنین می نویسد: در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود"³ (انجیل یوحنا - باب 1 - آیه 1) و پولس رسول نیز با استناد به ارتباط مسیح با ظهور ثانوی او ، به الوهیت مسیح تصریح نموده و چنین می گوید: و آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم و نجات دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار کشیم. (تیتس - باب 2 - آیه 13).

¹ [Holy Scriptures, Isaiah, 45:5]: "I am Jehovah and there is no one else. With the exception of me there is no God"

² [Holy Scriptures, Isaiah, 45:18]: "for this is what Jehovah has said the creator of the heavens, He the [true]God, the former of the earth and the maker of it, He the one who firmly established it, who did not create it simply for nothing, who formed it even to be inhabited: I am Jehovah and there is no one else."

³ مقصود از کلمه در این جا -بنا بر عقیده مسیحیان -عیسی مسیح می باشد

خدای پدر نیز در "رساله عبرانیین" بر لاهوت مسیح گواهی می دهد و چنین می گوید: اما در حق پسر ، ای خدا تخت تو تا ابد الآباد است وعصای ملکوت تو عصای راستی است. (رساله به عبرانیان -باب 1 - آیه 8)¹

با دقت در آنچه بیان گردید معلوم می شود که اختلاف و تناقض گویی در میان شاهدان یهوه از یک طرف و دیگر مبشران و مبلغان مسیحیت از سوی دیگر به خاطر وجود تناقضات آشکار در آیات و ابواب تورات و انجیل می باشد. زیرا برخی از آیات کتابهای یادشده که به آنها اشاره شد خدا را به عنوان "إله" یگانه و یکتا معرفی می نماید ، در حالی که آیات دیگر علاوه بر خدای پدر ، عیسی مسیح را نیز به عنوان "اله" قلمداد می کند.

بنابراین هیچیک از دو گروه یادشده نمی تواند نظریه خود را با در نظر گرفتن تمام آیات تورات و انجیل به اثبات برساند ، به طوری که از اشکال و اعتراض در امان بماند. زیرا هر دو دسته از آیات متناقض که نمونه هایی از آنها را از نظر شما گذراندیم در تورات و انجیل که مورد قبول مسیحیان هستند یافت می شوند.

(2) انکار ثالوث مقدس

مسأله دیگری که مورد اختلاف میان اکثریت مسیحیان و شاهدان یهوه می باشد، موضوع اقنوم های سه گانه (خدای پدر خدای پسر ((مسیح)) و روح القدس) است. لازم به یادآوری است که کلمه "ثالوث" در کتابهای تورات و انجیل وارد نشده است. در عین حال نوع مسیحیان به موضوع اقنوم های سه گانه اعتقاد دارند و بر اساس آن، مسیح و روح القدس را در اصل جوهر با خدای پدر معادل و برابر می دانند. شاهدان یهوه در این زمینه به مخالفت برخاسته و مسأله ثالوث را با صراحت انکار می نمایند. گروه یادشده در کتاب خود "جستجوی انسان برای خدا" ضمن طرح یک پرسش و پاسخ ، دیدگاه خویش را درباره خدای پدر پسر و روح القدس چنین بیان می دارند:

¹ احذر شهود یهوه - صفحه 5-6

"سؤال: آیا خدا یک ثالث است؟"

پاسخ: شاهدان یهوه معتقدند که "یهوه" پروردگار فرمانروا و بی مانند جهان است. [گوش کن ای اسرائیل: "یهوه خدای ما یهوه یگانه است. (سفر تثییه - باب 6 - آیه 4)].
"عیسی مسیح" به عنوان کلمه یک روح آفریده بود و به پیروی از خواست پدرش به زمین آمد. او تحت فرمان یهوه می باشد.
[اما زمانیکه همه مطیع وی شده باشند آنگاه خود پسر هم مطیع خواهد شد او را که همه چیز را مطیع وی گردانید تا آنکه خدا کل در کل باشد. (رساله اول پولس رسول به قرنتیان - باب 15 - آیه 28). همچنین به انجیل متی - باب 24 - آیه 36 و انجیل مرقس - باب 12 - آیه 29 و انجیل یوحنا - باب 1 - آیه های 1 تا 3 و 14 تا 18 و رساله پولس رسول به کولسیان - باب 1 - آیه های 15 تا 20 مراجعه کنید].
"روح القدس" یک نیروی فعال خدا و یا انرژی و نیروی عمل می باشد نه یک شخص.¹

این بود نمونه ای از سخنان شاهدان یهوه درباره یهوه (خدای پدر) عیسی مسیح (پسر) و روح القدس. بر اساس سخن مزبور سه مورد فوق یکی نیستند و در اصل و جوهر نیز در یک رتبه و درجه مساوی قرار ندارند، بلکه "پسر" مخلوق یهوه و تحت فرمان وی می باشد و روح القدس نیز به عنوان نیروی فعال یهوه به شمار می رود نه یک شخص ثالث. اما مبشران مذاهب دیگر از آئین مسیحیت به مبارزه با این نظریه برخاسته و انکار ثالث را به عنوان یک بدعت در مسیحیت مورد حمله قرار داده اند. در اینجا توجه شما را به نمونه ای از سخنان شاهدان یهوه جلب می کنیم.

کریم خاشو در ابطال دیدگاه گروه مذکور چنین می نویسد:
"شاهدان یهوه به ثالث اعتقاد ندارند. آنان ادعا می کنند که ابلیس منشأ این اندیشه بوده است. آنان معتقدند که نه شخص مسیح و نه شخص روح القدس (که او را فقط "تأثیر" و یا "نیرو" می دانند) هیچکدام در جوهر با خدا برابر نیستند. گر چه کلمه "ثالث" در کتاب مقدس وارد نشده است ولی آیات متعدد و تکه هایی از کتاب مزبور هستند که درستی وجود ثالث را هر

¹ جستجوی انسان برای خدا - صفحه 356-357

چند به صورت تقریباً پوشیده گواهی می دهند. ما از شاهدان هلاک شده یهوه می پرسیم: چرا بعد از آنکه بدعت مذکور را پذیرفتید به اسم "پدر و پسر و روح القدس" اتکا می نمایید؟ روشن است که هر کسی که با زبان عربی - هر چند به مقدار اندک - آشنایی داشته باشد می داند که "واو عطف" در عبارت یادشده کلمه بعد را بر کلمه قبل از آن عطف می کند بدون اینکه هیچگونه امتیاز و تفاوتی را برساند بلکه هر سه اسم را در مرتبه واحدی قرار می دهد که فرق گذاشتن میان آنها محال است.

و فرمان مسیح به تعمید مؤمنان حقیقی به اسم "پدر و پسر و روح القدس" (در انجیل متی - باب 28 - آیه 19) در شکست دادن شاهدان یهوه و ابطال تعالیم دروغین آنان درباره ثالوث کفایت می کند. و کتاب مقدس در موارد بسیاری یک مقام را برای پدر و پسر و روح القدس اثبات می کند بدون اینکه میان آنها تفاوت و اختلافی قائل شود. و تعمید مسیح در اردن برای ما بزرگترین نمونه برای وجود ثالوث با همدیگر در آن واحد می باشد، زیرا اقنوم سوم - یعنی روح القدس - بر اقنوم دوم - یعنی مسیح - نازل شد در زمانی که اقنوم اول - یعنی پدر - چنین می گفت: این است پسر حبیب من که از او خوشنودم.¹ (انجیل متی - باب 3 - آیه های 13 تا 17)

از مجموع دلایل دو گروه مزبور روشن می گردد که هر دو طایفه برای اثبات نظریات متضاد خود به آیاتی از کتاب مقدس متوسل می شوند و هر یک از آنان دیگری را به انحراف از تعالیم واقعی مسیحیت متهم می کنند.

(3) انکار رستاخیز جسمانی مسیح

شاهدان یهوه اصل مسأله رستاخیز مسیح را در بسیاری از سخنان و کتابهای خود پذیرفته بلکه در تبلیغات خود بر روی این مسأله پافشاری می کنند. اما آنان در کتاب خود "جستجوی انسان برای خدا" رستاخیز مسیح را با وصف "vital" که به معنای متعددی چون "روحانی" "معنوی" و "ضروری" آمده است توصیف کرده و چنین می نویسند:

احذر شهود یهوه - صفحه 4-5¹

"رستاخیز عیسی مسیح برای امید به جهان جدید راستین امری اساسی است، زیرا او از جانب خدا تعیین شده است تا از آسمان بر زمین پاکیزه حکومت کند. پولس رسول نیز بر چگونگی رستاخیز روحانی و ضروری مسیح تأکید می کند ، آنگاه که می نویسد: "لیکن بالفعل مسیح از مردگان برخاسته و نوبر خوابیدگان شده است. زیرا چنانکه به انسان موت آمد به انسان نیز قیامت مردگان شد. و چنانکه در آدم همه می میرند ، در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت." (رساله اول پولس رسول به قرنتیان - باب 15 - آیه های 20 تا 22)¹

از اینرو مبشران کاتولیک و دیگر مسیحیان ، شاهدان یهوه را به انکار رستاخیز جسمانی مسیح متهم می کنند و آنان را با استناد به آیاتی دیگر از کتاب مقدس مورد انتقاد قرار می دهند. به عنوان مثال نویسنده کتابچه "احذر شهود یهوه" در فصل مربوط به تعالیم آنان چنین می گوید:

"روسل (مؤسس مذهب شاهدان یهوه) رستاخیز مسیح را با همان بدنی که به صلیب کشیده شد انکار می کند. ولی کتاب مقدس با صراحت می گوید: مسیح بعد از رستاخیز خود از میان مردگان آمد... و در میان ایستاد و بدیشان گفت: سلام بر شما باد. و چون خداوند را دیدند شاد گشتند." (انجیل یوحنا - باب 20 - آیه های 19 و 20)

"و مسیح اضافه کرد و به شاگردان خود چنین گفت: (عیسی پس از اینکه به صلیب کشیده شده بود خطاب به شاگردان خود گفت) دستها و پاهایم را ملاحظه کنید که من خود هستم و دست بر من گذارده ببینید زیرا که روح، گوشت و استخوان ندارد چنانکه می نگرید که در من است." (انجیل لوقا - باب 24 - آیه 39)²

نویسنده مزبور برای اثبات بازگست مجدد مسیح با همان بدن، به آیه 9 تا 11 از باب اول از کتاب اعمال رسولان استدلال می کند و چنین میگوید: "همین عیسی که از نزد شما به

جستجوی انسان برای خدا - صفحه 375¹

احذر شهود یهوه - صفحه 6²

آسمان بالا برده شد باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید.¹

از مجموع سخنان هر دو طرف از شهود یهوه و مخالفان آنان از مسیحیان معلوم گردید که طرفین برای ثبات نظریه های خویش در زمینه رستاخیز عیسی مسیح و کیفیت آن به آیاتی از انجیل که به نفع سخنانشان است استدلال می کنند و هر یک از آنان دیگری را با استفاده از کتاب مقدس ، مورد نکوهش قرار می دهد.

4) اختلاف در تفسیر واژه "یهوه"

چنانکه در آغاز این نوشتار یاد آور شدیم شاهدان یهوه ، واژه مذکور را به معنای خدای یگانه که از او به پدر تعبیر می کنند دانسته اند و عیسی مسیح را مخلوق وی و تحت فرمان آن خدای یکتا به شمار آورده اند. آنان برای اثبات این سخن خویش به آیه هایی از کتاب مقدس مانند آیه 28 از باب 15 از رساله اول پولس رسول به قرنتیان که قبلا به آن اشاره شد استدلال کرده اند.²

همچنین در یکی از بحث هایی که اینجانب با دو تن از مبلغان کارآزموده از شاهدان یهوه در شهر تورنتو در کانادا داشتم از آنان پرسیدم: تعبیر دقیقی که شما برای عیسی مسیح و حقیقت وی دارید چیست؟ آنان در پاسخ گفتند: "ما شاهدان یهوه معتقدیم که عیسی مسیح نخستین آفریده "یهوه" است که توسط خداوند آفریده شده. آنان برای اثبات سخن خود به آیه 15 از باب 1 از رساله پولس رسول به کولسیان استدلال می نمودند که عیسی را نخستزاده می داند. واین در حالی است که مبشران دیگری از مسیحیت ، عیسی مسیح را خود یهوه دانسته اند نه مخلوق و آفریده ای که توسط یهوه آفریده شده است. کریم خاشو در رد سخن شاهدان یهوه چنین می نویسد:

¹ همان کتاب - صفحه 7

² جستجوی انسان برای خدا - صفحه 356-357

"کلمه "یهوه" به معنای "کائن" یعنی خداوند ازلی که آغاز و پایان ندارد می باشد. و عین همین تعبیر در کتاب مقدس بر عیسی مسیح اطلاق شده است. در سفر رؤیا (مکاشفه یوحنا رسول) می خوانیم: [...فیض و سلامتی بر شما باد از او که هست و بود (کائن) و می آید...] (باب 1 - آیه 4). همچنین در باب یادشده می گوید: [من هستم الف و یاء. اول و آخر میگوید آن خداوند خدا که هست و بود و می آید قادر علی الاطلاق] (باب 1 - آیه 8).

همچنین به باب یازدهم - آیه 17 - و باب 16 - آیه 5 مراجعه کنید. بنابراین یهوه همان "کائن" است و کائن غیر از خداوند ما یعنی عیسی مسیح کسی نیست. چنانکه مسیح با فریسیان که او را با ابراهیم مقایسه می کردند به مخالفت برخاست و چنین گفت: "پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من (کائن) هستم" (انجیل یوحنا - باب 8 - آیه 58).

پس اگر شاهدان یهوه بخواهند شخصیت "یهوه" را به حق بشناسند باید بدانند که او جز عیسی مسیح نیست¹.

از آنچه گذشت روشن گردید که شاهدان یهوه با مبشران دیگری از مسیحیت در تفسیر واژه "یهوه" اختلافی عمیق دارند و هر دو طایفه به آیاتی از انجیل استدلال می کنند و دیگری را به انحراف از کتاب مقدس متهم می نمایند.

5) انکار عذاب گناهکاران و ستمگران

شاهدان یهوه بر آنند که ارواح انسان های گنهکار و مجرم می میرند و متلاشی می شوند و هرگز باقی نمی مانند تا در عالم آخرت و در جهنم مشمول عذاب قرار بگیرند. در فصل های گذشته ، این سخن چارلز روسل (بنیانگذار آئین مذکور) را یادآور شدیم که مجازات شدن مجرمان و تبهکاران را با حکمت و عدالت خدا ناسازگار می داند و چنین می نویسد:

"خدایی که قدرت خود را در آفرینش انسانی به کار می برد که از پیش میداند که مبتلا به عذاب خواهد شد چنین خدایی

¹ احذر شهود یهوه - صفحه 7

نمی تواند حکیم عادل و اهل محبت باشد. و مقام چنین خدایی از بسیاری انسانها پایین تر خواهد بود"¹

شاهدان یهوه درباره مردن روح مجرمان با استناد به آیاتی از کتاب مقدس چنین می گویند:

"روح یک چیزی با وجود جداگانه نیست. روح می تواند بمیرد و می میرد. [اینک همه جانها از آن منند چنانکه جان پدر است همچنین جان پسر نیز هر دوی آنها از آن من می باشند. هر کسی که گناه ورزد او خواهد مرد. (کتاب حزقیال نبی - باب 18 - آیه 4)]."²

بر اساس گفته گروه مزبور انسانهای بدکار ، رستاخیز و محاسبه و محاکمه ای در آخرت ندارند و روح آنها برای همیشه می میرد و از مجازات تبهکاران اثری نخواهد بود. لکن مبشران دیگر مسیحیت با این نظر گروه یادشده به مخالفت پرداخته و آنها نیز در ابطال عقیده شاهدان یهوه به آیاتی از کتاب مقدس استدلال نموده اند. به عنوان نمونه در نوشتار "احذر شهود یهوه" چنین می خوانیم:

"آنچه به تعالیم شاهدان یهوه درباره زندگی دوباره مقداری رونق ظاهری و جاذبه می دهد اینست که (به نظر آنان) روح انسان تبهکار پس از مرگ متلاشی و نابود می شود. پس روح به نظر آنان از هر گونه مجازات و کیفری معاف خواهد بود و خداوند هیچکس را در جهنم نخواهد افکند تا به خاطر تباهی هایش برای همیشه مورد مجازات قرار بگیرد. ولی کتاب مقدس در این مسأله با صراحت سخن می گوید. عیسی مسیح بارها درباره جهنم حتی بیشتر از آسمانها سخن گفته است. یک بار می گوید: "و از قاتلان جسم که قادر بر کشتن روح نیند بیم مکنید بلکه از او بترسید که قادر است بر هلاک کردن روح و جسم را نیز در جهنم." (انجیل متی - باب 10 - آیه 28). همچنین خداوند در داستان تهیدست (به نام ایلعازر) و بی نیاز چنین گفته است: "باری آن فقیر بمرد و فرشتگان او را باغوش ابراهیم بردند و آن دولتمند نیز مرد و او را دفن کردند. پس چشمان خود را در عالم اموات گشوده خود را در عذاب یافت..." (داستان مذکور را در

جستجوی انسان برای خدا - صفحه 351¹

مدرک سابق - صفحه 356²

انجیل لوقا - باب شانزدهم - آیه های 19 تا 31 به طور کامل بخوانید).

کریم خاشو پس از استدلال به آیات یادشده از انجیل چنین می افزاید:

"با اینکه خدا نمی خواهد مردم را هلاک کند اما انسان تبهکار که توبه نمی کند خودش سرنوشت ابدی خود را در جهنم رقم می زند، به این جهت که خلاص مسیح را نمی پذیرد. ولی فایده بیان حقیقت جهنم پس از سقوط در آن و از دست رفتن فرصت چه می تواند باشد."¹

از آنچه گذشت به روشنی معلوم گردید در میان شاهدان یهوه و دیگر مسیحیان در زمینه مسأله باقی ماندن روح تبهکاران و مجازات آنان در جهنم ، ناسازگاری وجود دارد و این نزاع به خاطر تناقضات آشکاری است که در آیات کتاب مقدس آنان به چشم می خورد. از اینرو ، هر یک از دو گروه ، در ابطال نظریه گروه دیگر، به آیاتی استدلال می کند که عقیده او را به اثبات می رساند و دیدگاه دیگران را باطل می سازد.

بدین جهت می بینیم که حتی شاهدان یهوه که بقاء روح بدکاران و محاکمه و مجازات آنها را انکار نموده اند آیاتی از انجیل را در کتاب خود یادآور شده اند که بر خلاف نظریه خودشان سخن می گوید و محاکمه شدن بدکاران و به داوری بردن آنان را اثبات می کند.

به عنوان نمونه آنان در کتاب خود "جستجوی انسان برای خدا" صفحه 376 این آیه را آورده اند که می گوید:

"و از این تعجب مکنید ، زیرا ساعتی می آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می باشند آواز او را خواهند شنید، و بیرون خواهند آمد. هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات و هر که اعمال بد کرد بجهت قیامت داوری." (انجیل یوحنا - باب 5 - آیه های 27-29).

آیه های یادشده انجیل با صراحت ، سخن خود شاهدان یهوه را در زمینه نابودشدن روح بدکاران و باقی نماندن آنها و عدم

احذر شهود یهوه - صفحه 11¹

محاكمه آنان باطل می سازد. بنابراین ، تناقض موجود در آیات انجیل و تورات موجب ضد و نقیض گویی پیروان آنان گردیده است.

(6) عدد ساکنان آسمان

یکی دیگر از مسائلی که مورد اختلاف میان شاهدان یهوه و مبشران مذاهب دیگری از مسیحیت می باشد مسأله تعداد ساکنان آسمان است. شاهدان یهوه تعداد ساکنان آسمانها را تنها 144000 نفر می دانند که پس از بازگشت مجدد مسیح با او از آسمان بر زمین حکومت خواهند کرد و دیگران بر روی زمین خواهند بود. در اینجا به عنوان مثال یک نمونه از سخنان آنان را از کتاب "جستجوی انسان برای خدا" از نظر شما می گذرانیم:

"در سال 1935 (میلادی) شاهدان یهوه به یک سری معلومات روشن تری پیرامون گروه پادشاهی آسمانی پی بردند: یعنی کسانی که با مسیح و اتباع خویش بر روی زمین حکومت خواهند کرد. آنان همچنین دانسته بودند که شماره مسیحیان مهر شده که فراخوانده شده اند تا با مسیح از بالای آسمانها حکومت کنند فقط 144000 خواهد بود."¹

شاهدان یهوه برای اثبات گفتار خود به آیاتی از انجیل استللال نموده اند که چنین می گوید:

"و عدد مهرشدگان را شنیدیم که از جمیع اسباط بنی اسرائیل صد و چهل و چهار هزار مهر شدند."²

اما مبشرانی دیگر از مسیحیت با شاهدان یهوه در این موضوع به مخالفت پرداخته و آنها با استدلال به آیاتی از انجیل، تعداد ساکنان آسمان را بی شمار دانسته و گفتار پیروان مذهب شهود یهوه را باطل دانسته اند. مؤلف کتابچه "احذر شهود یهوه" در رد سخن پیروان مذهب یادشده چنین می نویسد:

¹ جستجوی انسان برای خدا - صفحه 358

² انجیل - مکاشفه یوحنا ی رسول - باب 7 - آیه 4

"و ساکنان آسمان به گمان شاهدان یهوه از یکصد و چهل و چهار هزار بیشتر نیست، همان کسانی را که مکاشفه یوحنا (پس از قیام مسیح) بر روی زمین زندگی خواهند کرد. بنابراین بیشتر افراد شاهدان یهوه از ورود به آسمان ناامید هستند. آنان از خواندن آیه 9 از همان باب یعنی مکاشفه یوحنا رسول باب 7 عمدا خود داری می کنند آنجا که می گوید: "و بعد از این دیدم که اینک گروهی عظیم که هیچکس ایشانرا نتواند بشمرد از هرامت و قبیله و قوم و زبان در پیش تخت و در حضور بره به جامه های سفید آراسته و شاخه های نخل به دست گرفته ایستاده اند و به آواز بلند ندا کرده می گویند نجات خدای ما را که بر تخت نشسته است و بره را است."¹

بر اساس آنچه گذشت معلوم گردید که مبلغان شاهدان یهوه از یک سو و مبشران مذاهب دیگر مسیحیت از سوی دیگر برای اثبات نظریه های متضاد و متناقض خویش به آیاتی از انجیل استدلال می کنند و هر یک از آنها دیگری را به انحراف و کجروی متهم می نماید. و این درگیری میان دو طرف همچنان ادامه دارد.

اینجانب از سال 1370 تا 1372 هجری شمسی (1991-1993 میلادی) در کشور کانادا با جمعی از مبلغان کار آزموده هر دو گروه موافق و مخالف به صورت جداگانه بحث و مناظره داشته و در ضمن بحث و گفتگو، دیدگاه های هر یک از آنها را درباره گروه دیگر جویا شده ام. در جلسات متعددی که در شهر تورنتو با آنان داشتیم مبلغان شاهدان یهوه مسیحیان دیگر و مبشران آنان را به نوعی تحریف کتاب مقدس تحت عنوان ترجمه نادرست تورات و انجیل متهم می کردند و می گفتند: آنان به خواندن عهد قدیم علاقه ندارند زیرا آیاتی از آن به یگانگی "إله" تصریح می کند و او را یهوه می خواند و بسیاری از تعالیم آن با نظریات کاتولیکها منافات دارد.

از اینرو شاهدان یهوه مؤسسه ای به نام "کمیته جهانی ترجمه جدید انجیل"² در شهر نیویورک آمریکا تأسیس نمودند که نخستین مرحله کار خود را در زمینه ترجمه انجیل که به نظر آنان صحیح باشد در سال 1950 میلادی آغاز کرد.

¹ احذر شهود یهوه - صفحه 12

² New World Bible Translation Committee یا "کمیته ترجمه انجیل جهان نو"

از سوی دیگر در تماسها و گفتگوهای خود با برخی از مبشران کاتولیک و مبلغان مذهب پروتستان در شهر تورنتو ، جزوه ها و کتابهایی را از کلیساهای آنان دریافت کردم که در میان آنها کتابچه "احذر شهود یهوه" به چشم می خورد که بر علیه آئین شاهدان یهوه نوشته شده بود و به وسیله برخی از کلیساهای کاتولیک توزیع می گردید.

در نوشتار مزبور آقای کریم خاشو که خود از مبشران مسیحیت است ، شاهدان یهوه را به ایجاد بدعت در آئین مسیح متهم می سازد که تنها به برخی از آیات کتاب مقدس استدلال می کنند و نسبت به آیات دیگر آن بی اعتنا می باشند.

نویسنده یادشده در نوشتار خود می گوید:
"اکنون که معلوم شد کتاب مقدس تعالیم شاهدان یهوه را باطل می سازد و بی اساس بودن عقاید آنان را آشکار می کند ، سزاوار است آنان را "شاهدان ابلیس" بنامیم."¹

حقیقت امر اینست که وجود سخنان ضد و نقیض در تورات و انجیل ، راه را برای اختلاف نظرهای بزرگی میان دو گروه باز کرده است. این تناقض گویی ها بقدری آشکار و غیر قابل توجیه است که هر گاه اینجانب در مناظره با هر یک از مبشران دو گروه آیاتی از تورات و انجیل را که با گفتار آنان منافات داشت می خواندم آنان در می ماندند و از بیان پاسخ قانع کننده ناتوان بودند. از اینرو هر یک از طرفین برای توجیه نظر خویش تنها آیاتی از کتاب مزبور را که به نفع طرز فکر آنان است به عنوان شاهد و دلیل بیان می دارند و آیات متضاد با آن را نادیده می گیرند. و بر اساس هر یک از آنها دیگری را به انحراف و یا بدعت گذاری در آئین مسیحیت متهم می سازد.

احذر شهود یهوه - صفحه 13¹

تشکیلات و سازماندهی

پس از درگذشت نخستین رئیس "جمعیت برج مراقبت" که بعدها به "شاهدان یهوه" مشهور گردیدند، پیروان وی شخصی به نام "ژوزف روزرفورد"¹ را به جانشینی او برگزیدند. مرگ روسل در سال 1916 میلادی به وقوع پیوست و "ژوزف روزرفورد" در سال 1917 میلادی به عنوان دومین رئیس جمعیت برج مراقبت انتخاب شد.

جمعیت برج مراقبت در سالهای 1919 و 1922 میلادی انجمن های خود را در ایالات متحده آمریکا سازماندهی کرد. و در سال 1919 طرح مجله ای را به نام "عصر طلایی"² که امروز به نام "بیداری"³ نامیده می شود ارائه داد و مجله یادشده را به چاپ رسانید.

لازم به یادآوری است که مجله یادشده در تیراژ بسیار وسیعی به صورت مجانی منتشر می گردد و جدیدترین شماره آن که هم اکنون (سال 1993 میلادی) بدست رسیده است با تیراژ سیزده میلیون و دویست و چهل هزار نسخه به 67 زبان منتشر شده است.

مجله دیگر آنان "برج مراقبت"⁴ نام دارد که شماره فعلی آن در سال (1993) با تیراژ شانزده میلیون و چهار صد هزار نسخه منتشر گردیده است.

¹ Joseph F. Rutherford

² The Golden Age

³ Awake

⁴ The Watch Tower

آنها در سال 1931 میلادی در ایالات متحده آمریکا کنوانسیون تشکیل دادند و طی اجلاسی ویژه رسماً خود را به نام "شاهدان یهوه" نامیدند.

"ژوزف روزفورد" که دومین رئیس شاهدان یهوه به حساب می‌آید در سال 1942 میلادی در گذشت. و در همان سال شخصی دیگر به نام "Nathan H. Knorr" به جای وی انتخاب شد. وی که در آن زمان 36 ساله بود سومین رئیس جمعیت برج مراقبت قلمداد گردید. نامبرده خیلی زود در صدد تأسیس حوزه‌ای برای تربیت مبشران خاص که تعلیمات شاهدان یهوه را ترویج کنند برآمد و بدین منظور مدرسه‌ای به نام مدرسه انجیلی برج مراقبت را بنیان گذاشت و برای نخستین بار در سال 1943 میلادی یکصد نفر برای تحصیل در مدرسه مذکور به صورت تمام وقت ثبت نام کردند.

شاهدان یهوه بنا به گفته خودشان در هر هفته یک جلسه بررسی و مطالعه انجیل دارند که تعداد این جلسات در سراسر جهان به 60,000 محفل می‌رسد. آنان همچنین جلساتی در طول هفته و یا کنفرانسهایی به صورت سالانه برگزار می‌نمایند. سرانجام، رهبران شاهدان یهوه مقر رهبری جهانی خود را در شهر نیویورک آمریکا مستقر نموده و از آنجا دستورات لازم را به شعبه‌های خود در کشورهای دیگر صادر می‌کنند.

دلیل اختلاف شاهدان یهوه

با بررسی سخنان موافق و مخالف آئین شاهدان یهوه به این نتیجه می‌رسیم که سبب اختلاف میان شاهدان یهوه و غیر آنان، وجود تناقضات بارز در کتاب مقدس مسیحیان است. در اینجا به عنوان نمونه، تنها به برخی از موارد تناقض در کتاب مذکور اشاره می‌کنیم:

(1)

یکی از ضد و نقیض‌های معروف تورات و انجیل اختلاف در این زمینه است که آیا خدا یکی است یا بیشتر؟

برخی از آیات آن دو کتاب به یگانگی و یکتایی خدا اعتراف می‌کنند در حالی که بعضی از آیات دیگر، پدر و پسر و روح القدس را به عنوان خدا و "اله" معرفی می‌نمایند. و ما در اینجا به هر دو دسته از آیات یادشده اشاره می‌کنیم و نمونه‌هایی از آنها را از نظر شما می‌گذرانیم.

در سفر تثبیه (Deuteronomy) باب 6، آیه 4 چنین می‌خوانیم:

"ای اسرائیل بشنو یهوه خدای ما یهوه واحد است."

"Listen O Israel: Jehovah our God is one Jehovah"
(Holy Scriptures, Deuteronomy, 6:4)

همچنین در کتاب اول پادشاهان (1 King) باب 8، آیه 60 چنین می‌گوید:

"تا تمامی قومهای جهان بدانند که یهوه خداست و دیگری نیست."

"To the end that all the peoples of the earth may know that Jehovah is the (true) God. There is no other."
(Holy Scriptures, 1-King, 8:60).

و نیز در صحیفه "اشعیای نبی" (Isaiah) باب 45 آیه 5 چنین میگوید:

"من یهوه هستم و دیگری نیست و غیر از من خدایی نیست"
"I am Jehovah, and there is no one else with the exception of me there is no God."
(Holy Scriptures, Isaiah, 45:5-18)

روشن است که آیات بالا بیانگر یگانگی و یکتایی خداوند است و هر گونه شریکی را از او نفی می نماید. اما آیات دیگری از همان کتاب مقدس خلاف این مطلب را بیان می دارد که ذیلا بعضی از آنها را یادآور می شویم.

در انجیل یوحنا (John) باب 20 آیه 28 چنین میگوید:

"توما در جواب وی (یعنی عیسی) گفت: ای خداوند من و ای خدای من. عیسی گفت: ای توما بعد از دیدنم ایمان آوردی."

"In answer Thomas said to him (Jesus): 'My lord and my God'"
(Holy Scriptures, John, 20:28)

واضح است که در این آیه "توما" حضرت عیسی را به عنوان خدا صدا می زند و عیسی نیز به وی اعتراض نمی نماید.

از اینرو یکی از مبشرین مسیحی به نام "کریم خاشو" در کتاب خود به نام "احذر شهود یهوه" (صفحه 6) با اشاره به این آیه و آیه زیر بر این مطلب استدلال نموده که علاوه بر خدای پدر، عیسی هم خدا بوده است.

در رساله پولس رسول به "تیطس" (Titus) باب دوم، آیه 13 چنین می خوانیم:

"و آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم و نجات دهنده خود
ما عیسی مسیح را انتظار کشیم."

*"As we wait for the blessed day we hope for, when the glory of
our great God and saviors Jesus Christ will appear"*
(Good News, presented by Canadian Bible Society, Titus, 2:13)

آیه های یاد شده و امثال آنها مانند آیه 8 از باب اول از "رساله به
عبرانیان" (Hebrews) همه بر این مطلب پافشاری می کنند که
عیسی نیز خدا می باشد.

بنا بر این ، یک دسته از آیات کتاب مقدس خدا را یکتا و یگانه معرفی
می کند و دسته دیگر از آنها علاوه بر خدای پدر ، عیسی مسیح را
نیز خدا می داند.

روشن است که این تناقض گویی در تورات و انجیل قابل قبول
برای اندیشمندان نیست و از اینرو موجب بروز اختلافات و انشعاباتی
در درون گروه های مسیحی شده است که از جمله آنها مسأله
شاهدان یهوه می باشد.

شاهدان یهوه با مشاهده دسته اول از آیاتی که از نظر شما
گذشت، بر یکتایی خداوند (یهوه) تأکید کرده اند و با مسیحیان دیگر
به مخالفت برخاستند.

لکن ما به شاهدان یهوه نیز می گوئیم: تا آنوقتی که تورات و
انجیل را کتاب دینی خویش بدانید شما هم به همان مشکل
مسیحیان دیگر گرفتار خواهید بود. زیرا دسته دوم از آیات که هم
خدای پدر و هم عیسی را به عنوان "اله" و خدا معرفی می کند در
کتاب انجیل می باشد و ما نمونه هایی را از نظر شما گذراندیم.

از آنچه گفته شد به روشنی معلوم گردید که ضد و نقض گویی
یاد شده قابل توجیه نیست و عقل و خرد نیز از پذیرفتن آن سر باز
می زند.

(2)

تناقض گویی دیگر تورات و انجیل اختلاف بر سر اینست که آیا عیسی پسر خدا است یا پسر انسان؟

برخی از آیات انجیل با صراحت اعلام می دارد که عیسی مسیح پسر خداست. در حالی که آیات دیگر عیسی را پسر انسان می نامد. در اینجا چند نمونه از هر دو دسته آیه های مذکور را بیان می داریم.

در انجیل لوقا (Luke) باب 12 آیه 40 در باره بازگشت مسیح چنین می خوانیم:

"پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید."

"You also keep ready, because at an hour that you do not think likely the Son of Man is coming".

(Holy Scriptures, Luke, 12:40)

همچنین در انجیل متی (Matthew) باب 25 آیه 31 چنین میگوید:

"اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست."

"When the Son of man arrives in his glory, and all the angels with him."

(Holy Scriptures, Matthew, 25:31)

بنا بر این ، آیات یادشده حضرت عیسی را صریحا فرزند انسان می داند. ولی با کمال تعجب می بینیم که برخی آیات دیگر انجیل بر خلاف آیه های فوق ، حضرت عیسی را به عنوان پسر خدا معرفی می کند.

به عنوان مثال در انجیل یوحنا (John) باب 20 آیه 31 چنین میگوید:

"لکن اینقدر نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی مسیح و پسر خداست."

"But these have been written down that you may believe that Jesus is the Christ the Son of God"
(Holy Scriptures, John, 20:31)

بر اساس آنچه گفته شد معلوم گردید که میان این دو دسته از آیه های انجیل نیز تناقض وجود دارد. یک دسته از آنها عیسی را مانند دیگران پسر انسان معرفی می کند ، در حالی که دسته دوم وی را پسر خدا می دانند!!

(3)

تناقض واضح دیگر در تورات و انجیل اینست که غیر از خدا که او را پدر سرمدی میدانند آیا پدر سرمدی دیگری وجود دارد یا نه؟

بعضی از آیات با صراحت می گوید خداوند تنها پدر سرمدی و جاودانی است و غیر از او کسی را بدین عنوان نخوانید.

به عنوان مثال در انجیل متی (Matthew) باب 23 آیه 9 چنین میگوید:

"و هیچکس را بر زمین پدر خود مخوانید زیرا پدر شما یکی است که در آسمان است"

"Moreover do not call anyone you father on earth, for one is you father, the heavenly one."
(Holy Scriptures, Matthew, 23:9)

آیه یادشده مردم را از اینکه غیر خدا را پدر بنامند نهی می کند و اعلام می دارد که تنها خدا پدر جاودانی است و نه شخص دیگر. ولی در خود کتاب مقدس آیه ای وجود دارد که انسان متولد شده ای را پدر سرمدی میخواند که عین آن عبارت را از نظر شما می گذرانیم.

در کتاب اشعیا نبی (Isaiah) باب 9 آیه 6 چنین میگوید:

"زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد که سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد."

"For there has been a child born to us. There has been a son given to us and there princely rule will come to be upon his shoulder, and his name will be called Wonderful Peace."
(Holy Scripture, Isaiah, 9:6)

ضد و نقیض بودن عبارات فوق آنچنان واضح است که جای هیچگونه توجیهی را باقی نمی گذارد.

(4)

تناقض دیگر انجیل و تورات درباره اینست که آیا خدا را با چشم می توان دید یا نه؟

در انجیل یوحنا (John) باب اول آیه 18 می گوید:

"خدا را هرگز کسی ندیده است."

"No one has ever seen God."
(Good news, presented by Canadian Bible Society, John, 1:18)

در حالی که آیات دیگر آن ، خدا را قابل دیدن معرفی می نماید که در جسم ظاهر شده و ملائکه او را مشاهده کرده اند و یا خدا در میان درختان باغ قدم می زده و آواز می خوانده است!!

به عبارات زیر که آنها را عینا از تورات و انجیل نقل نموده ایم توجه فرمایید:

الف) در کتاب انجیل ، رساله اول پولس رسول به تیمو تاوس ، باب 3 آیه 16 چنین می گوید:

"و بالاجماع سر دینداری عظیم است که خدا در جسم ظاهر شد و در روح تصدیق کرده شد و به فرشتگان مشهود گردید."

“Indeed the sacred secret of this godly devotion is admittedly great: He was made manifest in flesh, was declared righteous in spirit, appeared to angels.”

(Holy Scriptures, 1-Timothy, 3:16)

ب) همچنین در تورات ، سفر پیدایش (Genesis) باب سوم آیه 8 چنین می گوید:

"و آدم و حوا آواز خداوند خدا را شنیدند که در هنگام وزیدن نسیم
نهار در باغ می خرامید."

“Later they heard the voice of Jehovah God walking in the garden.”

(Holy Scriptures, Genesis, 3:8)

این دو آیه خدا را به صورت جسمی که ظاهر شده و ملائکه وی را دیده اند و یا در باغ آواز خوانده و زیر درختان قدم زده است معرفی می کنند و این مطلب کاملاً مخالف آیه 18 از باب اول انجیل یوحنا است که می گفت: "خدا را هرگز کسی ندیده است."

این تناقض آشکار نیز آنچنان واضح است که هر کس با اندک تأملی در آن از ناهماهنگی و ناسازگاری عبارات تورات و انجیل شگفت زده میشود.